

## مکاشفه ۳: ۱۶

توماس بروئر

وقتی صندوق پستی خودم را چک می‌کنم، معمولاً پیشنهادی برای کارت اعتباری دریافت می‌کنم. گاهی اوقات یک جعبه‌ی پستی از آمازون یا یک خبرنامه از یک سازمان خدمتی وجود دارد. گاهی اوقات چیزی منحصر به فرد هست، مانند دعوت به عروسی یک دوست یا یک کارت کریسمس. با این حال، هرگز نامه‌ای از عیسی مسیح دریافت نکرده‌ام. با این وجود، در مکاشفه ۲-۳، عیسی برای چندین کلیسا نامه می‌فرستد. آیا می‌توانید تصور کنید که شما یا کلیسای شما نامه‌ای مستقیم از عیسی مسیح دریافت کنید؟

البته از یک جهت، نامه‌هایی از عیسی مسیح داریم که در کتاب مقدس به ما عطا شده است. اگرچه پطرس «به غربیانی که پراکنده‌اند در پنطس و غلاطیه و قیدوقیه و آسیا و بطانیه» نوشت (اول پطرس ۱: ۱)، او همچنین به کسانی که از طریق کلام پطرس رسول (یوحنا ۱۷: ۲۰) به مسیح ایمان می‌آورند نیز نامه نوشت. در ابتدا پطرس، و همچنین تمام نامه‌های عهد جدید، نامه‌هایی برای کلیسا در تمام اعصار هستند.

ما در مکاشفه یوحنا ۲-۳ نامه‌های منحصر به فردی داریم که توسط خود مسیح نوشته شده است که به شرایط خاص کلیساها در قرن اول می‌پردازد. یکی از این کلیساها کلیسای لائودکیه بود (مکاشفه ۳: ۱۴-۲۲). در آن نصیحتی توسط مسیح وجود دارد. می‌گوید: «اعمال تو را می‌دانم که نه سرد و نه گرم هستی. کاشکه سرد بودی یا گرم لهذا چون فاتر هستی یعنی نه گرم و نه سرد، تو را از دهان خود قی خواهم کرد.» (آیه‌ی ۱۵-۱۶).

خدا در مسیحیتی فاتر (ولرم) یا قلبی که فقط تا حدی متعلق به اوست ساکن نمی‌شود.

ما نیز مانند مردم قرن اول، فاتر یا ولرم را به عنوان دمایی کمتر از ایده‌آل می‌دانیم. خود این کلمه برای ما منفی به نظر می‌رسد. چند بار درخواست قهوه ولرم کرده‌اید؟ سوپ ولرم؟ دوش ولرم؟ فکر می‌کنم زیاد نباشد. ولرم بودن بار منفی با خود به همراه دارد. مزه یا حس خوبی ندارد.

با این حال، اینجاست که اغلب این آیه اشتباه برداشت می‌شود. عیسی در نامه‌ی خود ادامه می‌دهد که ای کاش کلیسای لائودکیه به جای فاتر بودن سرد یا گرم بود (آیه‌ی ۱۵). بسیاری این آیه را به این معنا تفسیر کرده‌اند که مسیح دوست دارد پیروان او یکی از این دو باشند: (۱) «گرم» شوند، یعنی از نظر روحی پرشورتر، باغیرت و با تمام قلب خود به ملکوت خدا خدمت کنند. یا (۲) «سرد» شوند، یعنی ایمان را به کلی رها کنند و خود را همان چیزی که واقعا هستند نشان دهند - بی‌ایمان.

اما این چیزی نیست که این آیه القا می‌کند. بلکه برای درک این آیه باید درباره لائودکیه بیشتر بدانیم. لائودکیه در حدود پنج مایلی جنوب شهر دیگری به نام هیراپولیس قرار داشت. هیراپولیس در فلاتی ساخته شده و دارای چشمه‌های آب گرم طبیعی و دارویی بوده است. مردم جهان باستان، مانند روزگار ما، از چشمه‌های آب گرم برای استحمام و شفا استفاده می‌کردند. چشمه‌های آب گرم مستقیماً از زمین بیرون می‌آمدند و پر از مواد معدنی بودند. از سوی دیگر، شهر کولوسی که در حدود ده فرسخی شرق لائودکیه بود، چشمه‌ی دیگری داشت. با این حال، این یکی چشمه‌ای خنک بود که برای نوشیدن عالی بود. لائودکیه بسیاری از منابع آب خود را از طریق سیستم قنات دریافت می‌کرد - این شهر منابع طبیعی گرم و سرد با طراوت شهرهای اطرافش را نداشت.

با توجه به این زمینه، ما باید سخنان عیسی را به گونه‌ای دیگر درک کنیم. بله، او مایل است که کلیسای لائودکیه از نظر روحی پرشور باشد و با تمام وجود به ملکوت خدا خدمت کند. اما با پیشنهاد «گرم یا سرد» بودن آن‌ها، او

از آن‌ها نمی‌خواهد «صرفاً به کار خود ادامه دهند» - یعنی بین اطاعت و نافرمانی یکی را انتخاب کنند. بلکه آن‌ها را تشویق می‌کند که غلامانی پرمفعت باشند. از آن‌ها می‌خواهد که مفید باشند، یعنی یا گرم باشند یا سرد.

البته اگر سرد یا گرم نباشند، می‌فرماید که آن‌ها را از دهانش قی می‌کند (آیه ۱۶). این یک هشدار است. خدا در مسیحیت فاتر یا قلبی که فقط تا حدی متعلق به اوست ساکن نمی‌شود. نه، خدا تمام زندگی ما را می‌خواهد. چرا نباید بخواهد؟ او خدای جهان است، آفریننده‌ی قلب‌های ما. اما حتی بیش از آن، او تمام زندگی خود را در عیسی مسیح به ما داد. بنابراین، بله، فاتر بودن بد است و مسیح می‌خواهد که ما خود را با تمام وجود به او و به ملکوت او اختصاص دهیم.

چه فکر شیرینی است به یاد بیاوریم نجات‌دهنده‌ی ما به شکلی فاتر در وجود ما ساکن نشد. او با حالتی مردد خود را فروتن نکرد. او از معاشرت با شاگردانش ناراضی نبود. در عوض، او شبان اعظم آن‌ها شد و شبان اعظم جان خود را برای گوسفندان فدا کرد. مسیح هم گرم بود و هم سرد - برای پدرش در تعلیم و رهبری شاگردانش در مواقعی که نیاز داشت مفید بود، و جان خود را هنگامی که زمانش فرا رسید تقدیم کرد. ما نیز باید برای ملکوت خدا مفید باشیم. رابرت رابرتسون به خوبی بیان می‌کند:

آه که روزانه به فیض چقدر

بدهکار بزرگی هستم. . . .

این قلب من است پروردگارا، آن را بگیر و مهر کن

مُهر کن برای بارگاه آسمانیت

کشیش توماس بروئر، معاون انتشارات و سردبیر ارشد مجله‌ی تیبل تاک، استادیار مقیم در ریفورمیشن بایبل کالج در سنفورد، فلوریدا، و یکی از کشیشان کلیسای پرزبیتری در آمریکا (PCA) است.

این مقاله در مجله [تیبل تاک](#) منتشر شده است.